

اقتدار ایران اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) و مبانی فقهی آن

عبدالرضا محمدحسین زاده<sup>۱</sup>، صدیقه نیک طبع<sup>۲</sup>، مژده بیجاری<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱

چکیده:

از آنجایی که اقتدار هر کشور مظهر حیات، عزت ملی، افتخارآفرینی، پیشرفت و امید به آینده قلمداد می‌شود، آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان فقیهی برجسته و رهبر جامعه اسلامی - مکرراً و به‌طور پیوسته بر آن تأکید و آن را پشتوانه ثبات نظام جمهوری اسلامی در عرصه ملی و بین‌المللی، حافظ موجودیت، اعتبار و احترام آن در دنیا و تأمین‌کننده منافع ملی معرفی و به نقش آن در دفع چالش‌ها، تهدیدات و مظالم استکبار جهانی، توجه و اهتمام ویژه‌ای دارند؛ و از آنجایی که طبق اصول امامیه برای هر موضوعی از موضوعات فی‌نفس الامر حکمی مقرر گردیده و صاحب‌شرع حکم جمیع حوادث را به‌طور عموم یا به‌طور خصوص مقرر داشته؛ این تحقیق در صدد پاسخ به این سوال، که آیا دیدگاه نظری و اصول سیاسی حاکم بر رفتار و سیاست‌های عملی رهبری آیت‌الله خامنه‌ای در راستای تحقق اقتدار نظام اسلامی، برخاسته و مبتنی بر قواعد فقهی اسلام است یا خیر؟ بررسی تا معلوم گردد نظر و منش ایشان در مسئله اقتدار در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، علمی و نظامی از مبانی فقهی - برخاسته از فقه و شریعت اسلامی - ازجمله نفی سبیل، لا ضرر، و وجوب تعظیم شعائر الهی و حرمت اهانت به آن‌ها، و وجوب حفظ نظام و حرمت اختلال در آن و عدالت نشأت می‌گیرد و به تبع، - به دلیل حجیت ادله چهارگانه قواعد فقهی - یعنی کتاب، سنت، اجماع و عقل - حجیت شرعی آنها نیز مسجل می‌گردد.

واژگان اصلی: اقتدار، ایران اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای، مبانی فقهی.

۱. دانشیار، گروه الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. (نویسنده مسئول) mhosseinzadeh@uk.ac.ir

۲. استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

## مقدمه

در اقتدار ملی، مقوله‌ای است که به یک ملت اجازه می‌دهد با اتکا به توان داخلی در همه زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، علمی، اقتصادی و نظامی بر روی پای خود بایستد و با قدرت، جسارت و شجاعت همراه با درایت در برابر زورگویان جهانی، از حقوق حقه خود دفاع کند. اهمیت این موضوع در جایی است که بدون آن یک ملت فاقد هویت است. به همین جهت ملتی که به دنبال وضوح بخشی به هویت خود است به دنبال لوازم اقتدار می‌رود. از جمله این لوازم، پیشرفت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی اقتصادی و نظامی است (روشندل و دیگران، ۱۴۰۰، ۲).

از آن‌جا که برخلاف توهم برخی، اسلام دین زندگی است و هیچ یک از ابعاد فردی و اجتماعی زندگی بشری، از آموزه‌های وحیانی خالی نیست، از طرفی دیگر چون در اعتقاد پیروان اهل بیت (ع) هیچ حکمی حرام، واجب، مستحب و مکروه نشده الا اینکه تابع مصالح و مفاسد ذاتی و نفس‌الامری بوده والا امری لغو است؛ و لغو از حکیم عادی قبیح است تا چه رسد به حکیم مطلق و بنابر قاعده، ملازمه عقلی بین حکم عقل و شرع است (مظفر، بی تا، ج ۱، ۲۳۷). چون اقتدار جمهوری اسلامی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای نیز متأثر از روح توحیدی - و نه صرفاً بر اساس یک تحلیل و تجزیه سیاسی - و مبتنی بر مبانی و قواعد فقهی است؛ این پژوهش تلاش دارد تا مبانی فقهی و شرعی اقتدار جمهوری اسلامی را در قالب مؤلفه‌های گوناگون از منظر فقه شیعه بررسی و ارتباط آن را با گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای مورد توجه قرار دهد. هر چند در زمینه اقتدار ایران اسلامی در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای مطالعات و بررسی‌هایی انجام گرفته مانند پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، زینب پورکاویان و دیگران (۱۳۹۸)، با عنوان «مبانی قرآنی اقتدار ملی در بیانات امام خامنه‌ای» که عوامل آثار و موانع اقتدار ملی برپایه مستندات و مبانی قرآنی تبیین شده و مانند مقاله علمی- پژوهشی «مؤلفه‌های اقتدار ملی از منظر قرآن کریم و اندیشه‌های مقام معظم رهبری»، سمیه محققی و دیگران (۱۳۹۹)، که به بررسی عناصر اقتدار سیاسی، اقتصادی، نظامی، علمی و فرهنگی از منظر قرآن کریم و اندیشه‌های رهبری می‌پردازد؛ - اما استخراج فرمایشات ایشان از احکام شرعی و فقهی پژوهشی نو و کم سابقه در تحقیقات علوم و معارف اسلامی قلمداد می‌گردد. این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی، در صدد است تا به دو سوال اصلی در این زمینه پاسخ دهد: ۱- ابعاد گوناگون اقتدار ایران اسلامی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟ ۲- ابعاد گوناگون اقتدار ایران اسلامی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای با مبانی فقهی چه نسبتی دارند؟

## ۱- مفهوم شناسی

### ۱-۱ فقه:

واژه فقه معنای علم به چیزی، فهم آن و یا فهم دقیق چیزی است (ابن فارس، ۱۳۹۹ه.ق، ج ۴، ۴۴۲: فیروز آبادی، بی تا، ج ۴، ۲۸۹). در اصطلاح عبارت است از "هو العلم بالأحكام الشرعية الفرعية عن أدلتها التفصيلية" (آخوند خراسانی، بی تا، ۶). فقه یعنی علم به مجموعه‌ای از احکام شرعی عملی فرعی یا به دست آوردن وظائف عملی که از طریق ادله تفصیلی - کتاب، سنت، اجماع و عقل - می باشد و مقصود از حکم شرعی، دستورهایی است که از سوی خداوند برای زندگی مادی یا معنوی بشر صادر شده است. به تعبیری دیگر یا شرع آن را آورده و یا حکم عقل را تائید کرده است (حلی، ۱۴۰۳ ه. ق، ۴۰).

### ۱-۲ قواعد فقهی:

قواعد جمع قاعده در لغت به معنای پایه، اساس و ضابطه آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ه.ق، ج ۳، ۳۶۱) و در اصطلاح منظور از قاعده، حکم کلی است که به استناد مآخذ احکام بدست آمده است مانند قاعده ید (سجادی، ۱۳۶۲، ج ۱، ۵۴۷) به بیانی جامع تر و خاص تر "عبارة عن الأصل الکلی الذی ثبت من أدلته الشرعیة و ینطبق بنفسه علی مصادیقہ انطباق الکلی الطبیعی علی مصادیقہ، کقاعده الطهارة مثلا فإن هذه القاعدة تنطبق علی کل مورد شک فی طهارته (المصادیق) و بما أن التطبيق علی المصداق (الشک فی طهارة شیء خاص) یکون جزئیا کانت نتیجه القاعدة الفقهیة جزئیة بخلاف المسائل الأصولیة (مصطفوی، ۱۴۲۱ه.ق، ج ۱، ۹). یعنی در اصطلاح عبارت است از اصل کلی ای که از ادله شرعی گرفته و بر مصادیقش، تطبیق داده می شود و احکام شرعی شان معلوم و احکام تکلیفیه خمسه مانند وجوب و حرمت، کراهت و استحباب و اباحه و یا احکام وضعیه مانند صحت و فساد؛ ضمان و عدم ضمان (سبحانی، ۱۴۳۴ه.ق، ج ۱، ۵۲-۵۱) بر آنها حمل می شود.

شکی نیست که علم به این قوانین مانند قاعده ید، ضمان و لاضرر و لا حرج به عنوان یکی از مقدمات مهم استنباط، تاثیر عظیم و گسترده ای در به دست آوردن احکام مسائل غیرمنصوص و مستحدثه دارد و چون که تطبیق بر مصداق جزئی است نتیجه آن هم - بر خلاف مسائل اصولی - جزئی است مانند قاعده طهارت که بر هر موردی از مصادیق مشکوک به طهارت صدق می کند. بنابراین علاوه بر تأثیر پذیری در پویایی اجتهاد، در ایجاد هماهنگی ثابتات احکام با متغیرات زمانه در ابواب مختلف نقش مهمی ایفا می کند.

## ۳-۱ اقتدار

اقتدار در زبان عربی از ماده قدر مشتق است و معنای آن «القوه» است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ه. ق، ج ۱۳، ۳۹۹). از این رو واژه «القوه» در زبان فارسی به نیرو، قدرت و توانایی تعبیر می‌گردد. واژه مقتدر نیز از همین ماده وقتی در مورد خداوند به کار رود به معنای قدیر و اگر در مورد بشر استعمال شود به معنای بدست آورنده قدرت و توان است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ه. ق، ۶۰۸). همچنین مفهوم اقتدار با مفهوم قدرت و نفوذ پیوندی تنگاتنگ دارد. اقتدار به معنی قدرت مشروع است. در سیستم‌های سیاسی همیشه سعی رهبران بر آن است که نفوذ‌های خود را به صورت اقتدار درآورند. زیرا اقتدار یکی از اشکال بسیار کارآمد نفوذ است و نه تنها پردوام تر از اجبار می‌باشد بلکه عاملی است که به رهبر کمک می‌کند تا بتواند با کمترین استفاده از منابع سیاسی بر احوالی حکومت کند. (عالم، ۱۳۹۱، ۱۰۰)

## ۲- اقتدار در کلام آیت‌الله خامنه‌ای

امروزه بیشترین کاربرد اصطلاح «اقتدار ملی» را می‌توان در کلام رهبر فرزانه انقلاب اسلامی پی جویی کرد.

ایشان با هوشمندی و درایتی که نسبت به ساختارهای قدرت در دنیا و منابع شکل دهی آن دارند، اقتدار ملی را به عنوان یک ضرورت دینی برای ملل اسلامی، به خصوص جمهوری اسلامی جهت دستیابی به رشد و تعالی تبیین می‌کنند.

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای عزت و اقتدار امت اسلامی محصول واجب‌التبایع دانستن احکام الهی و شریعت اسلامی است. لذا کشور های مسلمان زمانی می‌توانند از کرامت، عزت و موجودیت خود به معنای واقعی کلمه دفاع کنند که متکی بر اراده ملت‌های خود باشند (خامنه‌ای، ۸۸/۲/۲۳).

از منظر ایشان آثار و نتایج اقتدار عبارت است از: حفظ هویت کشور، مایه عزت و وسیله رسیدن او به آرمان‌ها. زیرا یک مسئله همه جانبه و بر دوش همه دستگاه‌ها بوده است. از این رو باید کارها با سیاست‌های درست، برنامه ریزی صحیح، جدیت، پشتکار، با هماهنگی و انسجام کامل پیش برود (خامنه‌ای، ۸۰/۱/۱).

همچنین ایشان راهکار رسیدن به اقتدار را در باور به وعده‌های الهی خلاصه می‌نمایند؛ زیرا

در این صورت راه به سوی عزت، وحدت و اقتدار در مقابل امت اسلامی باز خواهد شد و امت اسلامی از عقب ماندگی نجات پیدا خواهد کرد (خامنه‌ای، ۱۴/۴/۹۰). چنان چه آیه ۱۶۰ سوره مبارکه آل عمران «... إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ» مبین این امر است.

### ۳- ارکان اقتدار در کلام آیت الله خامنه‌ای

اقتدار ملی از سرشاخه‌های گوناگونی نشأت می‌گیرد و در زیر مجموعه‌های آن می‌توان از اقتدار اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و علمی نام برد.

۳-۱ **اقتدار اقتصادی:** مسلماً اولین مرحله و شرط ضروری در استفاده از بُعد اقتصادی به عنوان پایه و شالوده قوی و مثبت در سیاست های خارجی یک ملت، در قطع وابستگی های اقتصادی قلمداد می‌گردد و با توجه به ظرفیت های بومی اقتصادی کشور، توان مقابله با فشار و تحریم های خارجی را فراهم می‌آورد. مقام معظم رهبری اقتدار اقتصادی را به این معنا می‌داند که در کشور با افزایش اشتغال‌زایی بخشی از مشکل بیکاری و فقر حل گردد، تولیدات کشاورزی و صنعت مقبول باشد، از معادن کشور به نحو بهینه و صحیح بهره برداری گردد و نیز با تقویت قدرت پول ملی برای دارندگان آن ثروت ایجاد گردد، تا در نتیجه بتوان توان و شایستگی خود را به عنوان کشور غنی و ثروتمند در مقابل چشم دنیا به نمایش گذارد (خامنه‌ای، ۸۰/۲/۲۸).

۳-۲ **اقتدار سیاسی:** اگر جامعه‌ای به مرحله‌ای از شکوه و عزت و افتخارات بلند اجتماعی و تاریخی دست یابد به گونه‌ای که بتواند تشکلی از پیروان حق را پدید آورد و عدالت اجتماعی را در میان توده های انسانی بر پای بدارد و موجبات تنفر را علیه حکومت‌های ستم به وجود آورد و سبب شود توده های اجتماعی از نفوذ ناپذیری برخوردار شوند در اصطلاح گویند این نظام اقتدار سیاسی دارد (رنجبر، ۱۳۹۲، ۷۷).

در منظومه فکری مقام معظم رهبری اقتدار سیاسی یعنی کشور و دولت بتوانند در میدان سیاست در دنیا حضور فعال داشته باشند؛ به آنان تحمیل سیاسی نشود؛ کسی نتواند به آنان زور بگوید؛ و در اوضاع سیاسی آنان دخالت کند؛ و انگشت ایذاء در اوضاع داخلی کشور آنان دراز کند (خامنه‌ای، ۸۰/۲/۲۸).

۳-۳ **اقتدر فرهنگی:** فرهنگ مجموعه ای از اهداف، اخلاقیات، ارزش ها، باورها و اعتقادات یک ملت است. به طوری که نفوذ فرهنگ و ارزش های مربوط به آن در سایر جوامع، قابلیت این

طرح را دارند که آن فرهنگ توانسته است نظام ارزشی خود را درونی کرده و در مسیر قدرت و اقتدار گام بردارد. لذا مقام معظم رهبری اقتدار فرهنگی را باارزش‌ترین نوع اقتدار می‌داند که اقتدار حقیقی نام دارد (خامنه‌ای، ۸۱/۱۲/۱۱). ایشان «توانایی و قوام یافتگی فرهنگی» را یکی از سه رکن اصلی اقتدار ملی عنوان می‌کنند (خامنه‌ای، ۹۹/۷/۲۱). بدین معنی که فرهنگ کشور، اثر گذار بوده و اثر پذیر نباشد تا بتواند به شکل صحیحی تهاجم فرهنگی را دفع کند (خامنه‌ای، ۸۰/۱۲/۲۸).

۳-۴ اقتدار نظامی: از آنجا که هر نظامی دارای اهداف فرامرزی و موقعیت استراتژیک است، اگر با معاندان خارجی که چشم طمع برای تسلط بر آن سرزمین را دارند، مواجه شود و حیات و امنیت خود را در مخاطره ببیند؛ به یک نیروی نظامی خودکفا و قدرتمند نیازمند است تا بتواند نقش شایانی در بازدارندگی و مقابله با تهدیدات خارجی ایفا کند.

مقام معظم رهبری پایه اقتدار نظامی هر کشور را نمایشگر توانایی‌های عمومی و بین‌المللی آن کشور می‌داند (خامنه‌ای، ۹۳/۸/۲۶). و به نظر ایشان تنها عامل رفع تهدید نظامی «اقتدار دفاعی و نظامی» و «ایجاد ترس و رعب در دشمن» بوده و خواهد بود (خامنه‌ای، ۹۵/۶/۲۸).

۳-۵ اقتدار علمی: علم و فناوری محصول تحقیقات و اسباب کشف حقیقت است. از آنجا که در حال حاضر اگر پتانسیل و زیر ساخت‌های کافی جهت پیشرفت و جهش‌های علمی فراهم گردد، می‌توان بسیاری از نوآوری‌ها و اکتشافات نوین در زمینه‌های پزشکی، فناوری هسته‌ای، نانو تکنولوژی راکب کرد. به همین جهت در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای علم قدرت است. زیرا یک ملت برای اینکه راحت، عزیز و با کرامت زندگی کند احتیاج به قدرت دارد. عامل اصلی که به یک ملت اقتدار می‌بخشد، علم است (خامنه‌ای، ۹۲/۵/۱۵).

#### ۴- بازتاب مبانی فقهی اقتدار ایران اسلامی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

اقتدار پدیده‌ای نوظهور در ادبیات جمهوری اسلامی است که آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان فقیه و رهبری مجتهد- این اصطلاح را نه بدون ضابطه و و نه از باب هم‌سخنی با نظام‌های دیگر؛ بلکه مبتنی بر ضوابط و قواعد فقهی مورد توجه قرار داده‌اند و ملت را به تحصیل آن دعوت کرده تا در مسیر توسعه و شکوفایی قرار گیرد. از این رو در تحقیق جهت اثبات مدعا دیدگاه‌های ایشان را در مقایسه و تطبیق برخی از قواعد فقهی مورد نظر در مسیر کسب اقتدار به شرح ذیل مورد بررسی قرار می‌دهیم.

## ۱-۴- قاعده نفی سبیل

از جمله قواعد مهم در فقه اسلامی قاعده نفی سبیل یا نفی سیطره و چیرگی کافر بر مسلمانان است که در ابواب مختلف فقه و فروعات بسیاری از جمله معاملات، نکاح، ارث، ولایت ها و غیره به آن استناد می شود (فاضل موحدی لنکرانی، ۱۳۸۳، ۲۹۳).

بر اساس مفاد این قاعده هر عملی از معاملات و یا روابط بین مسلمانان و کافران خواه فردی باشد یا جمعی هنگامی که منجر به تسلط کافران بر مسلمانان شود جایز نیست و حرام می باشد (مصطفوی، ۱۴۲۱ ه.ق، ج ۱، ۲۹۳).

قاعده نفی سبیل بیانگر دو جنبه ایجابی و سلبی است. جنبه سلبی ناظر بر نفی سلطه بیگانگان بر مقدورات و سرنوشت سیاسی و اجتماعی مسلمانان و جنبه ایجابی بیانگر وظیفه دینی امت اسلامی در حفظ استقلال سیاسی و برداشتن زمینه های وابستگی است (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ۴۷۰). مقصود از نفی سلطه، غلبه ظاهری نیست؛ بلکه مراد نفی سلطه و غلبه ای است که از ناحیه تشریح حکم پیدا می شود. بدین معنا که خدای تعالی در مقام تشریح احکام، حکمی را وضع نکرده که از ناحیه آن، غلبه ای برای کافر بر مسلمان پیدا شود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۲، ج ۱، ۴۳۵).

بنابراین، هرگونه پذیرش ظالمانه و یا سلطه قدرت های خارجی بر جامعه اسلامی ممنوع و حفظ استقلال، اقتدار و برتری مسلمانان در عرصه های مختلف ضروری بوده و از این منظر اقتدار نظام اسلامی در عرصه بین الملل مورد اهمیت قرار می گیرد.

هر چند برخی تنها مدرک قوی این قاعده را آیه "لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا" (نساء: ۱۴۱) دانسته (مصطفوی، ۱۴۲۱ ه.ق، ج ۱، ۲۹۴). اما در مقابل، برخی دیگر هر چهار دلیل کتاب، روایات (صدوق، ۱۴۱۳ ه.ق، ج ۴، ۳۳۴؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ ه.ق، ج ۱۷، ۳۷۷) اجماع و عقل را مدرک و پشتیبان قاعده می دانند (عمید زنجانی، ۱۳۸۶، ج ۳، ۳۴). در منظومه فکری آیت الله خامنه ای به مقتضای قاعده فوق، نفی نظام سلطه جزء ارکان اصلی تحقق اقتدار سیاسی است (خامنه ای، ۹۶/۳/۱۷). ایشان استثمار، سلطه پذیری، تحقیر ملت به وسیله قدرت های سیاسی دنیا، وابستگی سیاسی، نفوذ و دخالت قدرت های مسلط دنیا در کشور، سکولاریسم اخلاقی و اباحه گری را به طور قاطع نفی می کند (خامنه ای، ۸۷/۹/۲۴) و عملاً به طور جد در برابر آنان ایستاده است (خامنه ای، ۸۴/۷/۲۹). چنان چه امام خمینی نیز معتقد بودند روابط

بین‌الملل و مسائل جهانی و تعامل با سایر کشورها باید براساس قاعده نفی سیبل باشد(موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ۴۰۹، ۴۱۵).

با عنایت به این قاعده آیت الله خامنه‌ای بر «اقتصاد مقاومتی»، «تولید ملی» و «اشتغال» سفارش مؤکد دارند و آن‌ها را از عوامل مؤثر در خنثی‌سازی توطئه‌های اقتصادی دشمن و دستیابی کشور به اقتدار، عزت و پیشرفت همه‌جانبه می‌دانند. اقتصاد مقاومتی، اقتصادی مبتنی بر مقاومت‌سازی و تحکیم بنیه اقتصاد کشور است که از ظرفیت‌ها و امکانات بومی به‌منظور توسعه و پیشرفت همه‌جانبه کشور استفاده می‌گردد و در کلام رهبر انقلاب رویکردی اقتضایی به مسائل کشور برای بیرون رفت از آسیب‌های تحریم‌های سلطه جهانی است(خامنه‌ای، ۸۹/۶/۱۶). زیرا اگر جامعه از الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی که همان اقتصاد مقاومتی است، پیروی کند نه تنها بر همه مشکلات اقتصادی فائق می‌آید و دشمن را با تحمیل یک جنگ اقتصادی تمام‌عیار که در برابر این ملت بزرگ صف‌آرایی کرده، به شکست وامی‌دارد؛ بلکه خواهد توانست در جهانی که مخاطرات و سلطه‌گری‌ها رو به افزایش است، با تداوم رشد، پیشرفت و نیز تداوم آرمان‌ها و اصول، اقتصاد متکی به دانش و فناوری، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو را محقق سازد و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد (خامنه‌ای، ۹۴/۱۲/۲۰).

ایشان در بیانیه گام دوم بر این نظرند اگر همگان تولید ملی را تعقیب کنند بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی حل خواهد شد (خامنه‌ای، ۹۷/۱/۱). بنابراین بهترین راه مقابله با دشمن، حمایت از کالای ایرانی است (خامنه‌ای، ۹۷/۲/۱۰). ایشان ایستادگی، صبر و استقامت در برابر دشمن و عقب‌نکشیدن را از الزامات پیشرفت و اقتدار می‌دانند و بر این باورند پیشرفت‌های ما در همه جا، ناشی از ایستادگی و استقامت بر پایه‌ی ارزش‌ها می‌باشد؛ زیرا هر جا که استقامت کردیم و بر مبنای خودمان پافشاری کردیم و در مقابل تهدیدها خودمان را نباختیم، آن جا پیشرفت کردیم. به باور ایشان این ایستادگی و پایداری، مهم‌ترین چیزی است که ما می‌توانیم آن را وسیله‌ای جهت رسیدن به اهداف قرار دهیم (خامنه‌ای، ۸۳/۶/۳۱). ایشان با اشاره به آیه «إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَأُضِيعَ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (یوسف: ۹۰) تصریح می‌کنند که هر جا تقوای پیشه کردیم، صبر و ایستادگی نشان دادیم، خدای متعال اجر ما را ضایع نکرد؛ اما هر جا وادادگی نشان دادیم؛ ضربه خوردیم و آنجا اختلال به وجود آمد (خامنه‌ای، ۸۲/۵/۱۵). بنابراین اشتغال و تولید دو مفهوم



کلیدی و فوری برای اقتصاد مقاومتی بوده که با توسل به صبر و شکیبایی در برابر دشمنان، می‌توان به مفهوم خاص و مهمی از اقتدار دست‌یابیم و به‌حکم قاعده نفی سیل مستحکم شدن و غیرقابل نفوذ بودن کشور در برابر توطئه‌ها و سلطه‌گری‌های متخاصمان و برخورداری از عزت و سرافرازی از نتایج اقتصاد مقاومتی است که در گفتمان انقلاب اسلامی از سوی آیت‌الله خامنه‌ای اساساً یک الگوی علمی متناسب با نیازهای کشور عنوان شده است (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱).

## ۲-۴- قاعده لا ضرر

یکی از مشهورترین قواعد فقهی که در بیشتر ابواب فقه مانند عبادات و معاملات به آن استناد می‌شود، قاعده لا ضرر است که مستند بسیاری از مسائل فقهی محسوب می‌شود (محقق داماد، ۱۴۰۶ ه. ق، ج ۱، ۱۳۱).

قاعده نفی ضرری در اسلام حکم ضرری وجود ندارد چه حکم تکلیفی مانند وجوب ضرری و چه حکم وضعی مانند لزوم معامله غبنی (انصاری، ۱۴۱۹ ه. ق، ج ۲، ۴۶۱). چنانچه هر گونه اضرار، چه نفسی باشد مثل وضو و روزه گرفتن ضرری و چه غیري باشد مانند اتلاف مال دیگری، در اسلام حرام است و فاعل آن مستوجب عذاب؛ معامله آن فاسد و اثر مطلوب بر آن مرتب نمی‌شود و عبادت آن مبرء ذمه نیست (مصطفوی، ۱۴۲۱ ه. ق، ج ۱، ۲۴۳). همچنین حرف «لا» در عبارت لا ضرر در معنای اصلی خود که نفی حقیقی جنس است، استعمال شده است؛ یعنی در این قاعده رفع حکم ضرری از طرف شارع، رفعی حقیقی است (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱ ه. ق، ج ۱، ۱۸۰). با توجه به این مطلب اگر حکمی دارای ضرر باشد آن حکم از اساس از احکام شرع و دین نیست؛ در نتیجه پیروی و عمل به آن نیز واجب نخواهد بود (نراقی، ۱۳۷۵، ۵۲). علاوه بر این چون قاعده لا ضرر برای منت بر امت تاسیس گردیده پس باید همواره در مقام اجرای آن، عدم تحقق منت نیز در نظر گرفته شود.

علاوه بر آیات (بقره: ۲۳۳؛ نساء: ۱۲) اخبار و روایات فراوانی مستند این قاعده می‌باشند. (نوری، ۱۴۰۸ ه. ق، ج ۱۷، ۳۴؛ حرعاملی، ۱۴۱۴ ه. ق، ج ۱۷، ۳۱۹). چنانچه برخی منبع چهارم فقه یعنی عقل را از مهم‌ترین آنها و مدلول این قاعده را از «مستقلات عقیده» که عبارتند از اموری که بدون حکم شرع، خود عقل به آن‌ها می‌رسد (محقق داماد، ۱۴۰۶ ه. ق، ج ۱، ۱۳۱) برمی‌شمرند. بنابراین به روشنی از ادله فوق استنتاج می‌گردد هر حکمی که اصل وجود آن به ضرر منجر گردد منفی بوده و جواز شرعی ندارد.

اینک با توجه به مدلول قاعده فقهی، چگونگی دلالت آن را نسبت به یکی از ارکان مهم اقتدار، یعنی موضوع محیط زیست انسان بررسی و دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه تبیین می‌کنیم. البته قبل از تطبیق قاعده بایستی ارتباط محیط زیست با اقتدار معلوم گردد.

### اهمیت و نقش محیط زیست در زندگی اجتماعی

طبق آموزه های وحیانی یکی از اهداف آفرینش جهان، علاوه بر معرفت افزایی بشر نسبت به قدرت و علم خداوند؛ بهره‌گیری از آنها، در مسیر اطاعت خداوند می‌باشد. زمانی استفاده از این نعمات الهی در راستای هدف آفرینش قرار می‌گیرند که از آنها به درستی بهره‌برداری و از افراط و تفریط پرهیز شود. خلقت زیست محیطی، یکی از انواع امانت‌های الهی است که سلامت آن پیوندی تنگاتنگ با حیات جامعه سالم دارد؛ زیرا علاوه بر اینکه تأثیر بسزایی بر سلامت روح، جسم، اخلاق و روان آدمی از نظر فردی و اجتماعی دارد؛ تأثیرات مهمی حتی بر مواد غذایی؛ اعم از گیاهان و حیوانات و هم چنین بر فعالیتهای مربوط به کسب و کار، زراعت و صنعت دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ج ۳، ۷۵). از آنجایی که تامین فضای سالم و محیط زیست مناسب بر جبران خسارتهای ناشی از تخریب محیط زیست مقدم است، از این رو در آموزه های دینی، علاوه بر اینکه از آلوده ساختن محیط زیست نهی شده، به پاکسازی آن ترغیب شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۶۸۸ و ۹۸۹). بنابراین با توجه به نقش حیاتی گیاهان و درختان در زندگی انسان‌ها و نیز در سلامت جسم و روح آنها و به تبع آن در سلامت جامعه و رشد در عرصه های مختلف حتی صنعت، کشاورزی و نقش مؤثر آن در اقتدار ملی، این موضوع را از جنبه قاعده فقهی لاضرر بررسی می‌کنیم چنانچه با ملاحظه قاعده عدالت هم نهی از تخریب محیط زیست و وجوب حفظ آن روشن و بدیهی است.

#### ۱-۲-۴- قاعده لاضرر و وجوب حفظ محیط زیست

همانطور که آسیب‌رساندن به محیط‌زیست اعم از تخریب، آلوده ساختن، اتلاف یا اهمال آن نمونه‌ی بارز زیان زدن به دیگران بوده، اسلام این کار را افساد فی الارض می‌داند. بنابراین حفاظت از محیط‌زیست در اولویت و در صدر مسائل کشور قرار می‌گیرد. با توجه به قاعده لاضرر، آیت‌الله خامنه‌ای یکی از شاخص‌های مهم در ساخت همه دستگاه‌های صنعتی و پیشرفته کشور را مسئله محیط زیست می‌داند (خامنه‌ای، ۸۹/۱/۹). و آن را پشتوانه اصلی استقلال کشور،

خودکفایی عمومی و عاملی برای مقاومت در برابر دشمنان و استکبار جهانی (خامنه‌ای، ۶۶/۱۲/۱۵) مطرح می‌کنند و معتقدند مسئله گیاه، بوستان، درخت، مراتع و... جزو مسائل اصلی کشور بوده و اگر تخریب گردند، زندگی مردم تلخ و سیاست، اقتصاد و پیشرفت کشور همه باطل و نابود خواهند شد (خامنه‌ای، ۸۹/۱۲/۱۷). ایشان یکی از کارهای جدی در حفاظت از محیط‌زیست را حفاظت از دو ثروت عظیم یعنی آب‌وخاک و پرهیز از برخورد مسرفانه با آن‌ها می‌دانند و بر همین اساس توسعه زمین‌های کشاورزی را توصیه و جلوگیری از تبدیل شدن آنان را، به ضرر منافع ملی دانسته‌اند و نیز با تأکید بر لزوم توسعه انرژی‌های پاک غیرفسیلی مانند انرژی هسته‌ای و نیز انرژی‌های بادی و خورشیدی تأکید جدی دارند. لذا ایشان انجام همه کارهای مهم را نیازمند پشتوانه ملی دانسته‌اند و درختکاری را در زمره کارهایی می‌دانند که همه می‌توانند با کاشتن و حفظ درختان، به گسترش پوشش گیاهی در کشور کمک کنند (خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۱۲/۱۵).

#### ۲-۲-۴- قاعده لاضرر و اقتصاد منهای نفت

برخی از مشکلات اقتصادی مانند وابستگی اقتصاد به نفت چالشی در برابر اقتدار جمهوری اسلامی بوده به گونه‌ای که آیت‌الله خامنه‌ای یکی از ضربه‌های اقتصادی کشور را از جهت نفت می‌دانند. ایشان «خام فروشی و صادرات فله‌ای مواد خام» و «وابستگی اقتصاد به نفت» را عیب و بلایی بزرگ می‌دانند و بر این باورند که این مشکل دیرینه به ضرر پیشرفت و اقتدار کشور تمام خواهد شد. ایشان با اشاره به کشورهایی که بدون تولید یک قطره نفت به توسعه چشمگیری دست یافته‌اند، معتقدند حتی در شرایط غیر تحریمی کنترل بازار نفت دست مصرف‌کنندگان بزرگ دنیا بوده و براساس منافع سیاسی، تولیدکنندگان را تحت فشار می‌گذارند (خامنه‌ای، ۹۸/۵/۳۰).

#### ۳-۲-۵- قاعده لاضرر و وجوب مبارزه با مفاسد اقتصادی

آیت‌الله خامنه‌ای یکی از موانع اقتدار ملی را مفاسد اقتصادی می‌دانند که زیر بنایی ترین فساد هاست (خامنه‌ای، ۸۷/۴/۵)؛ زیرا جریان آلوده‌ای است که اگر جلوگیری و با آن مبارزه نشود، تمامی فضای جامعه تخریب و نابود خواهد شد و نیز منجر به فساد فرهنگی و اخلاقی، هدررفتن منابع ملی، بی‌ثباتی کشور و ضربه زدن به نظام می‌گردد. همچنین ایشان مفاسد اقتصادی را توده چرکین نظام‌ها می‌دانند که اگر در بدنه حکومت‌ها عارض گردد، زلزله‌ای ضربه زنده به مشروعیت آن‌هاست و این امر برای نظام جمهوری اسلامی بسیار جدی‌تر و

بنیانی‌تر از دیگر نظام‌هاست (خامنه‌ای ۹۷/۱۱/۲۲).

### ۳-۴ قاعده و وجوب تعظیم شعائر الهی و حرمت اهانت به آن

شعائر جمع شعیره در لغت به معنای علامت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ه.ق، ج ۴، ۴۱۴). در اصطلاح «شعائرالله» یا «شعائرالاسلام» یعنی علامت و نشانه‌هایی که خداوند آنها را برای اطاعتش مقرر فرموده خواه این نشانه در مکانی باشد و یا عمل و حالتی که امتیاز ویژه ای و لو موقت یافته و شامل هر چیزی است که نشان ویژه ای برای خدا و دین او داشته و احترام مخصوص دارد مانند نماز، مؤمن، حج (حرعاملی، ۱۴۱۴ ه.ق، ج ۱۳، ۳۴۵). بنابراین به‌طورکلی تمام آنچه در برنامه‌های دینی وارد شده و انسان را به یاد خدا و عظمت آئین او می‌اندازد، شعائر الهی گویند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ۹۷).

در مدرک قاعده باید گفت علاوه بر این که عقلا در بدایت نظر به غیر عقلانی و غیر اخلاقی بودن آن حکم نموده و فاعل آن را مستحق سرزنش و ملامت می‌دانند (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱ ه.ق، ج ۵، ۲۵۱)؛ فقها با استناد به آیاتی مانند "ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمُ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ" (الحج: ۳۰) که تحریک و تشویق مردم به تعظیم حرمت خدا بوده و "حرمت خدا" همان اموری است که خداوند از آنها نهی فرموده، و برای آنها حدودی معین کرده که مردم از آن حدود تجاوز نکنند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ۵۲۵-۵۲۶). آیه "ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمُ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ" (حج: ۳۲) تعظیم شعائر الهی را از تقوی می‌داند و روایات متعددی از معصومین (ع) دال بر نهی از اهانت و لزوم حرمت شعائر الهی به ما رسیده است (حرعاملی، ۱۴۱۴ ه.ق، ج ۱۰، ۹۷) و به اجماع تعظیم و بزرگداشت شعائر الهی و حرمت هتک آنچه از شعائر الهی به شمار می‌رود معتقدند؛ چون بی احترامی به شعائر و حرمت الهی بی احترامی به خداوند محسوب می‌شود؛ لذا همه موارد هتک و در نتیجه بی احترامی حرام است و این اجماع قابل انکار نیست (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱ ه.ق، ج ۵، ۲۵۰) و مجموعه ای از فروع فقهی شان بر همین قاعده مبتنی می‌باشد.

بر اساس این قاعده آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند موفقیت و رشد هر دولتی در این کشور به میزان دل‌بستگی او به اسلام و احترام نسبت به شعائر الهی دارد (خامنه‌ای، ۷۳/۶/۲۰).

در همین خصوص در نگاه ایشان موسم حج می‌تواند عظمت، تنوع، اقتدار معنوی و انسانی دنیای اسلام را هر ساله به‌طور محسوس در برابر چشم مردمی از همه کشورهای مسلمان جهان به

نمایش بگذارد و تبادل نظر را در میان برگزیدگان هر ملت برقرار کند. در حج همه ملت‌ها می‌توانند حجاب تبلیغات خصمانه دشمنان جهان اسلام را درنوردند و با بهره‌گیری از فضای معنوی بیت‌الله الحرام خود را برای حرکتی هماهنگ و مخلصانه در راه کسب عزت، استقلال و تلاش برای تحولی اساسی در کشور خود آماده سازند (خامنه‌ای، ۷۸/۱۲/۲۳). علاوه بر این، ایشان اقامه نماز جمعه را نشانه عظمت و اقتدار نظام دانسته که نقش بسیار بزرگی در پیشرفت‌ها و موفقیت‌های این ملت ایفا کرده، و سهم بسزایی در بسیج نیروها، سازندگی و هدایت سیاسی و دینی مردم داشته‌است (خامنه‌ای، ۶۹/۱۱/۱۹). ایشان حفظ ایمان و روحیه مردم را از مهم‌ترین کارکردهای نماز جمعه مطرح می‌کنند، زیرا نظام جمهوری اسلامی با تکیه بر همین عامل، توانسته بر دشمنی‌ها و چالش‌ها غلبه کند و به حرکت رو به رشد خود ادامه دهد (خامنه‌ای، ۶۷/۴/۱۲).

حجاب و عفاف از دیگر نمادهای دین و ضرورت‌های اسلام و انقلاب بوده که منجر به رشد فکری، اجتماعی، معنوی و فضیلتی زنان می‌گردد. در حقیقت «حیا و عفاف» علاوه بر آنکه حکم و دستور الهی بوده، آیت الله خامنه‌ای آن از عوامل اقتدار ملی می‌داند؛ زیرا دشمن آن را هدف گرفته و به دنبال این است که عوامل اقتدار را از بین ببرد. لذا هدف دشمن این است که ایمان، حیا و عفاف از بین بروند (خامنه‌ای، ۹۵/۱۰/۱۹). همچنین در جامعه امروز ولی فقیه مسئولیت ابلاغ احکام و دستورات الهی را بر عهده دارد که نماد یک شخص کامل و مومن بوده و از شعائر اسلامی محسوب می‌گردد. از اینرو تبعیت از ولایت فقیه موجب تثبیت اقتدار ملی می‌گردد که مختص جامعه اسلامی است. رهبر انقلاب اسلامی معتقدند ولایت فقیه، اقتدار همراه با رفاقت و برادری است و انتخاب این واژه در مقابل حکومت و سلطنت بدین معناست که نظام اسلامی معتقد به اقتدار سیاسی بر اساس اعتقادات دینی است (خامنه‌ای، ۸۷/۳/۱).

#### ۴-۴-۴ قاعدهٔ وجوب حفظ نظام و حرمت اخلال در آن

از آنجا که واجبات کفائی در فقه اسلام بسیار فراوان اند، همه برخاسته از دو اصل حفظ نظام و اخلال در نظام می‌باشند (موسوی اردبیلی، ۱۳۸۵، ۲۷۱). از جمله معنایی که فقیهان از اصطلاح «حفظ نظام» قصد کرده اند، حراست از کیان کشور اسلامی و مسلمین از هجوم دشمنان است که مرادف با این معنا در فقه اصطلاح «حفظ بیضه اسلام» است. همچنین حفظ نظام از واجبات موکد و اختلال امور مسلمین از امور مبغوضه است و این حاصل نمی‌شود مگر با وجود والی و حکومت. افزون بر آن حفظ مرزهای مسلمانان از تهاجم متجاوزان شرعا و عقلا واجب می‌باشد.

این از واضح ترین نیاز های مسلمین است لذا عقلا شایسته نیست که خداوند حکیم به این مسئله توجه نمایند (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ۶۵۷). همان طور که مهم ترین مستند آن عقل است، عقل حفظ نظام را لازم می داند و آنچه موجب اختلال آن می شود را قبیح می داند (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶، ج ۲، ۳۵۶). اگر چه در آیات، کلمه نظام به صراحت ذکر نشده اما کلمات مشابه یا ملایم آن وجود دارد: مانند کتاب، میزان، قسط (حدید: ۲۵). و افزون بر آن می توان به روایات (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲؛ مفید، ۱۴۱۳ هـ ق، ج ۱، ۱۴). استناد کرد.

به همین جهت از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای، حفظ نظام یعنی حفظ همه ارزش‌هایی که نظام اسلامی خودش را متعهد به آنها میداند (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۴/۱۲).

ایشان شرط کافی حفظ نظام را، حفظ و تقویت محتوا و اصول اساسی نظام اسلامی می‌دانند. زیرا اگر به محتوا و اصول توجه نشود، ممکن است در زیرپوست شکل رسمی نظام، تغییرات تدریجی اتفاق بیفتد و نظام اسلامی را به سمت انحراف بکشاند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۶/۷).

چون لازمه حفظ نظام جمهوری اسلامی، اقتدار ملی بوده؛ بنابراین فراهم ساختن مقدمات اقتدار واجب است. آیت‌الله خامنه‌ای کسب مرجعیت علمی (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۲/۲۳)؛ حرکت جدی برای پیشرفت علمی در کنار ایمان را، یکی از ارکان قدرت ملی و از مهم ترین نیازهای امروز دنیای اسلام می‌دانند و معتقدند علم مایه‌ی قدرت است؛ علاوه بر امروز و در طول تاریخ؛ در آینده نیز همین جور خواهد بود؛ زیرا علم می‌تواند ثروت آفرین، قدرت نظامی آفرین و قدرت سیاسی آفرین باشد (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۱۱/۱۳). و در نتیجه حفظ نظام اسلامی می‌دانند و معتقدند پر شدن خلأهایی که در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و مدیریتی وجود دارد، منوط به این است که نوآوری و پیشرفت‌های علمی در خدمت نیازهای کشور قرار گیرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۵/۱۵).

یکی از مؤلفه های مهم در حفظ نظام جمهوری اسلامی وجود و حاکمیت قانون است زیرا نشانگر تثبیت، تحکیم و تداوم موقعیت سیستم سیاسی نظام است (محمدی، ۱۳۹۶، ۲۴۰). از این رو قانون اساسی در حفظ ثبات نظام و اقتدار ملی جایگاه ویژه ای دارد. آیت الله خامنه ای قانون اساسی را از جمله چیزهایی می داند که دشمنان آن را آماج حملات خود قرار داده اند. زیرا قانون اساسی با خصوصیت تقسیم قدرت می تواند کشور را به سامان برساند و جامعه را پیش برد، ضامن حفظ نظام اسلامی باشد؛ نظامی که پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی افراد است، می تواند ذهن‌ها را اشباع و اقتناع و جسم‌ها را به رفاه مادی برساند. بنابراین از منظر ایشان به همین دلایل است که امروزه قانون

اساسی در حال حرکت و پیشرفت است (خامنه‌ای، ۸۴/۲/۲۱).

یکی دیگر از مقدمات و عوامل حفظ نظام، شرکت در انتخابات است. زیرا مقام معظم رهبری معتقدند ثباتی که امروزه در کشور وجود دارد، به برکت ابراز اقتدار ملت ایران در مراحل گوناگون است.

همین‌که ملت در پای صندوق انتخابات علی‌رغم تلاش دشمنان و بوق‌های تبلیغاتی بیگانه آن‌طور با اخلاص وارد می‌شود، نشان‌دهنده اقتدار ملی است و این اقتدار ملی، پشتوانه ثبات کشور و نظام اسلامی است (خامنه‌ای، ۸۳/۱/۲). از اینرو از منظر ایشان انتخابات نشانه وفاداری ملت ایران است زیرا ملت در میدان مین، در میدان مقابله‌ها و مبارزه‌های غرض‌آلود و خباثت‌آلود شجاعانه و دلیرانه حضور خودش را اعلام می‌کند (خامنه‌ای، ۹۴/۱۲/۵).

همچنین از دیگر عوامل و اصول حفظ نظام اسلامی را در تکثیر موالیید و افزایش جمعیت دانست. از منظر مقام معظم رهبری، امروزه کشور بایستی به نحو معقول و معتدل به سمت افزایش جمعیت برود. زیرا مسئله نمای جوان برای کشور یک مسئله اساسی، مهم و تعیین‌کننده است (خامنه‌ای، ۹۲/۸/۱۸). از این رو با در نظر داشتن نقش ایجابی عامل جمعیت در پیشرفت کشور، لازم است برنامه‌ریزی جامع برای رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور متناسب با سیاست‌های جمعیتی انجام گیرد (خامنه‌ای، ۹۳/۲/۳۰).

## ۵-۴ قاعده عدالت

هر چند بحث از عدالت سابقه طولانی دارد و پیشینه آن در اندیشه اسلامی به درازای تاریخ کلام و فقه اسلامی است و نزاع‌های اشاعره و معتزله در علم کلام و طرح آن در موضوع صفات اخلاقی و کمال نفسانی در علم اخلاق و توجه آن در فقه امامیه در ابواب متعدد مانند شرایط امام جماعت و قاضی و... شواهد مدعا می‌باشند، در عین حال در کتابهایی که به بیان قواعد فقهی اختصاص دارند در فهرست آن‌ها قرار ندارد (سند، ۱۴۲۴ ه.ق، ۲۱).

عدالت ابعاد متعدد و گستره وسیعی دارد اعم از دایره فقه و استنباط احکام یا در دایره وسیع اداره نظام و بر همین اساس کلمه عدل و عدالت معانی و کاربردهای متعدد دارد مانند به «تساوی تقسیم کردن» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ه.ق، ج ۱، ۵۵۱) و «العدل یضع الامور مواضعها» (نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۴۲۹)؛ یعنی «قرار دادن هر چیزی در جای خودش» (قرشی، ۱۳۸۶، ج ۴، ۲۷۰). بر همین اساس عدل اجتماعی یعنی با هر یک از افراد اجتماع به استحقاق

آن فرد رفتار شود، یکی را جای دیگری نگیریم و عملی را جای عمل دیگر نگذاریم (همان، ۳۰۴). همچنین عدالت صفت نفسانی ریشه داری است که همواره انسان را به ملازمت تقوا- ترک محرمات و فعل واجبات- وادار می‌کند (موسوی خمینی، ۱۳۸۳، ج ۱، ۱۳).

قاعده مذکور بر پایه دلایل و مستندات حاکم و پابرجاست که می‌توان به آیات (نحل، ۹۰؛ حدید، ۲۵) روایات متعدد (صدوق، ۱۴۱۳. ه. ق، ج ۳، ۳: حر عاملی، ۱۴۱۴. ه. ق، ج ۲۷) اشاره داشت. چنانچه در زمینه تحکیم نظام، عدالت نقش موثری ایفا می‌کند. بدین سبب آیت الله خامنه‌ای تحقق عدالت را متوقف بر مبارزه با فساد می‌داند؛ زیرا عدالت و مبارزه با فساد لازم و ملزوم یکدیگرند (خامنه‌ای، ۹۷/۱۱/۲۲). بدیهی است با از بین رفتن فساد، زمینه‌های پیشرفت و توسعه در جامعه، کاهش فاصله فقیر و غنی، توزیع مناسب منابع عمومی، نجات و گشایش اقتصاد کشور فراهم می‌گردد. از این رو می‌توان اقتدار و عدالت اجتماعی را از عناصر جداناپذیر از یکدیگر دانست.

در منظومه فکری ایشان قوام و استواری جامعه اسلامی به عدل و قسط پیوند خورده است. ایشان معتقدند جامعه اسلامی زمانی می‌تواند به عنوان شاهد، مبشر، هدایتگر، الگو و نمونه برای ملت‌های عالم مطرح شود که در آن عدالت اجرا شود؛ زیرا اسلام بدون عدل، ممکن نیست. ولو همه ارزشهای مادی، ظاهری و دنیایی هم فراهم گردد، اما اگر عدالت نباشد، در حقیقت هیچ کاری انجام نشده است (خامنه‌ای، ۷۱/۳/۳۰). از سوی دیگر در محیط قسط و عدل است که انسان‌ها می‌توانند رشد کنند، به مقامات عالی بشری برسند و کمال انسانی خودشان را به دست آورند، زیرا قسط و عدل یک مقدمه واجب برای کمال نهایی انسان است. از اینرو مقام معظم رهبری رشد و تعالی انسان را از جمله پیامدهای عدالت اجتماعی می‌داند (خامنه‌ای، ۲۵/ ۴ / ۷۶). و در تبیین پیامدهای عدالت بر این باورند که عدالت اجتماعی بستر اعتماد ملت را نسبت به حاکمیت فراهم می‌آورد. در سایه این اعتماد، حاکمیت می‌تواند اصول راهبردی خود را در روابط اجتماعی عملی سازد زیرا استصلاح مردم و تربیت نیروی انسانی مناسب، شکوفایی، توسعه و اقتدار بخش‌های مهم اقتصادی جامعه از قبیل کشاورزی، صنعت و تجارت را به دنبال دارد. با شکوفایی این حوزه‌های تاثیر گذار، درآمد افراد جامعه افزایش یافته و رفاه عمومی به طور نسبی رشد می‌یابد (خسرو پناه، ۱۳۹۶، ج ۲، ۱۲۳۹).



## نتیجه گیری

اقتدار ملی در ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، علمی، نظامی، یکی از کلید واژه‌های فرمایشات آیت‌الله خامنه‌ای است. در این تحقیق مبانی فقهی متناسب با آنها از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای مورد تبیین و بررسی قرار می‌گیرد. اقتدار سیاسی در رابطه باقاعده نفی سبیل که بر عدم تسلط کفار بر مسلمانان دلالت دارد و لازمه آن یعنی اقتدار اقتصادی، در اندیشه رهبر انقلاب متکی بر اقتصاد مقاومتی، تولید، مصرف کالای داخلی، جهش تولید و اشتغال‌زایی بوده و مایه عزت، اقتدار و گره‌گشایی چالش‌ها و تحریم‌های فعلی است.

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای «حفاظت از محیط‌زیست» که مسئله‌ای حیاتی، مهم و پشتوانه اصلی خودکفایی کشور بوده و هرگونه تخریب و بی‌توجهی به آن به ضرر منافع ملی شناخته شده است؛ مبتنی بر قاعده لاضرر، است که از حدیث معروف نبوی «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» نشأت می‌گیرد. و بر همین اساس ایشان نفتی بودن اقتصاد و مفساد اقتصادی را از جمله عوامل زیان و انحطاط جامعه اسلامی برمی‌شمرند.

به استناد قاعده وجوب تعظیم شعائر الهی، بسیاری از مصادیق آن از جمله حج، نماز جمعه، حجاب و عفاف و ولایت فقیه در کلام مقام معظم رهبری از عوامل اقتدار و قوت ملی قلمداد می‌گردند و بنا به تعبیر قرآن کریم، مظهر تقوای قلوب اند. از این رو دشمن تلاش دارد با تخریب و از بین بردن ارزش‌ها و زینت‌های اسلام، قدرت جمهوری اسلامی را به ضعف و نابودی بکشاند.

طبق قاعده وجوب حفظ نظام، حفظ نظام اسلامی دارای اهمیت و ارزش زیاد؛ اخلال در آن امری غیرمعقول و حفظ موجودیت آن واجب و فراهم گشتن مقدمات تحقق این امر نیز لازم است. بنابر این قاعده، در کلام مقام معظم رهبری قدرت علمی، وجود و حاکمیت قانون، تکثیر موالیذ و افزایش جمعیت و حضور مردم در صحنه انتخابات از جمله عوامل دخیل در این رکن به مثابه مقدمه واجب، لازم و ضروری بوده و پشتوانه‌ای بر اقتدار و پیشرفت جمهوری اسلامی محسوب می‌گردند.

منطبق با قاعده عدالت، قوام و اقتدار جامعه اسلامی به عدل و قسط پیوند خورده است. زیرا به گونه‌ای که اگر عدالت در نظام مستقر و پابرجا گردد؛ آسودگی، آرامش حقیقی و رشد و تعالی انسان در جامعه حکمفرما خواهد بود.

## کتابنامه:

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

مظفر، محمد رضا (بی تا)، اصول الفقه، جلد ۱، قم: اسماعیلیان.

ابن فارس، ابوالحسین (۱۳۹۹ ه. ق)، معجم مقاییس اللغة، جلد ۴، قم: دارالفکر.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ه. ق)، لسان العرب، جلد ۳ و ۱۳، بیروت: دار صادر.

انصاری، مرتضی (۱۴۱۹ ه. ق)، فرائد الأصول، جلد ۲، قم: مجمع الفکر اسلامی.

آخوند خراسانی، محمدکاظم (بی تا)، کفایه الاصول، قم: آل البيت لاحیاء التراث.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، مفاتیح الحیاه، قم: اسراء.

حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۴ ه. ق)، وسائل الشیعه، جلد ۱۰، ۱۳، ۱۷ و ۲۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، مجموعه بیانات قابل دسترسی در نرم افزار حدیث ولایت.

حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۳ ه. ق)، معارج الاصول، قم: مؤسسه آل البيت (ع).

خسروپناه، عبدالحسن (۱۳۹۶)، منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای، جلد ۲، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی.

راغب اصفهانی، ابوالقاسم (۱۴۱۲ ه. ق)، المفردات فی غریب القرآن، جلد ۱ و ۴، بیروت: دارالقل.

رنجبر، علیرضا (۱۳۹۲)، حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی از نگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، قم: مرکز پژوهش‌های صدا و سیما.

روشندل، مهدی و شریفیان، حسن (۱۴۰۰)، قدرت و اقتدار، تهران: دانشگاه پدافند هوایی خاتم النبیا.

سبحانی، جعفر (۱۴۳۴ ه. ق)، المبسوط فی اصول الفقه، جلد ۱، قم: مؤسسه امام صادق.

سجادی، جعفر (۱۳۶۲)، فرهنگ معارف اسلامی، جلد ۱، تهران: نشر کومش.

سند، محمد (۱۴۲۴ ه. ق)، الشعائر الدینیة، قم: دار الغدیر.

صدوق، ابی جعفر محمدبن بابویه قمی (۱۴۱۳ ه. ق)، من لایحضره الفقیه، جلد ۳ و ۴، قم: نشر اسلامی.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۱۴، مترجم: همدانی، قم: دفتر طباطبایی، تبلیغات اسلامی.

عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۱)، بنیادهای علم سیاست، تهران: غزال.

- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۶)، قواعد فقه، جلد ۳، تهران: مطالعات و تحقیقات علوم اسلامی.
- فاضل لنکرانی، محمدجواد (۱۳۹۶)، مکاسب محرمة، جلد ۲، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۳۸۳)، القواعد الفقهیه، قم: مرکز فقه الاثمه اطهار.
- الفیروز آبادی، مجدالدین (بی تا)، القاموس المحيط، جلد ۴، بیروت: دارالعلم.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۸۶)، قاموس قرآن، جلد ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ ه. ق)، قواعد فقه، جلد ۱، تهران: نشر علوم اسلامی.
- محمدی، منوچهر (۱۳۹۶)، مولفه‌های قدرت در جمهوری اسلامی ایران، تهران: خبرگزاری فارس.
- مصطفوی، محمد کاظم (۱۴۲۱ ه. ق)، القواعد الفقهیه، جلد ۱، قم: نشر اسلامی.
- مفید، محمد (۱۴۱۳ ه. ق)، غایه المراد، جلد ۱، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، جلد ۱۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۹)، دایره المعارف فقه مقارن، جلد ۱، ۲ و ۳، قم: انتشارات امام علی بن ابیطالب.
- موسوی بجنوردی، سید حسن (۱۴۰۱ ه. ق)، القواعد الفقهیه، جلد ۱ و ۵، قم: نشر الهادی.
- موسوی اردبیلی، عبدالکریم (۱۳۸۵)، همپای انقلاب، قم: دانشگاه مفید.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۹)، صحیفه امام، جلد ۱، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۹۲)، حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام (ره)، جلد ۲، تهران: عروج.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۳)، تحریر الوسیله، جلد ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نراقی، احمد (۱۳۷۵)، عواید الایام، قم: انتشارات مکتب بصیرتی.
- نوری، شیخ حسین (۱۴۰۸ ه. ق)، مستدرک الوسائل، ج ۱۷، قم: موسسه آل بیت (ع).
- هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۹۲)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع) جلد ۱، بی جا: دایره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).